

## Ontological Security of the Discourse of Resistance in the Islamic Republic of Iran

Mohammad Jafar Javadi Arjmand<sup>1</sup>, Ali Mohammadi Masiri<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. [mjjavad@ut.ac.ir](mailto:mjjavad@ut.ac.ir)

<sup>2</sup> PhD, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author). [ali.mohamadi@ut.ac.ir](mailto:ali.mohamadi@ut.ac.ir)

### Abstract

Following the victory of the Islamic Revolution of Iran, the discourse of resistance, through a narrative of Shi'i Islam in reaction to oppression, despotism, injustice, hegemonic tendencies, and instrumental materialism, entered the sphere of international relations. Accordingly, the present study seeks to describe and analyze the ontological components constituting the discourse of resistance as a novel discourse with an Islamic nature, and to examine how the discourse of resistance challenges rival discourses—such as liberal democracy—in order to consolidate and assert its own ontological security. Employing discourse analysis as both method and theory, this research investigates the ontological security of the discourse of resistance in the Islamic Republic of Iran. In response to the question of what ontological components constitute the discourse of resistance in the Islamic Republic of Iran and how its ontological security is rendered definitive, the findings indicate that the most important central signifier of the discourse of resistance in the Islamic Republic of Iran is political Islam (the Shi'i school), which structures the semantic system of the discourse of the Islamic Republic of Iran and, consequently, its ontological security—both of which take shape around this superior signifier and derive and stabilize their meanings in relation to it. The construction of otherness and hostility, deconstruction, competition, hegemony, and the political identity of the Islamic Republic of Iran are articulated and conceptualized on the basis of the ontological narrative of the central signifier of the discourse of resistance, and its ontological security becomes definitive through competition with and resistance against non-material discourses such as liberal democracy.

**Keywords:** Political Islam, Iran, Otherness, Discourse of Resistance, Ontological Security.

---

Received: 2024-12-09 ; Received in revised form: 2025-01-23 ; Accepted: 2025-02-19 ; Published online: 2025-04-09

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.553217.1876>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## امنیت هستی‌شناختی گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران

محمدجعفر جوادی ارجمند<sup>۱</sup>، علی محمدی مصیری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mjjavad@ut.ac.ir  
<sup>۲</sup> دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ali.mohamadi@ut.ac.ir

### چکیده

گفتمان مقاومت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با روایتی از اسلام شیعی در واکنش به ظلم، استبداد، بی‌عدالتی، سلطه‌طلبی و مادی‌گرایی ابرازی به مناسبات بین‌الملل وارد شد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، توصیف و تحلیل مؤلفه‌های هستی‌بخش گفتمان مقاومت به‌عنوان یک گفتمان نوین با ماهیت اسلامی است و اینکه گفتمان مقاومت برای تثبیت و قطعیت امنیت هستی‌شناختی خود چگونه گفتمان‌های رقیب نظیر لیبرال دموکراسی را به چالش می‌کشانند. در این پژوهش، با استفاده از روش و نظریه تحلیل گفتمان، امنیت هستی‌شناسی گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در پاسخ به این سؤال که گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران از چه مؤلفه‌های هستی‌شناختی تشکیل شده و امنیت هستی‌شناختی آن چگونه قطعیت می‌یابد؟ یافته‌های پژوهش بر این امر دلالت دارد که مهم‌ترین دال مرکزی گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران را اسلام سیاسی (مذهب شیعه)، شکل می‌دهد و نظام معنایی گفتمان جمهوری اسلامی ایران و به‌تبع آن امنیت هستی‌شناختی آن، حول این دال برتر شکل می‌گیرد و در ارتباط با آن‌ها معنا می‌یابد و تثبیت می‌شود. ایجاد غیریت و خصومت، ساختار شکنی، رقابت، هژمونی و هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر روایت هستی‌شناختی دال مرکزی گفتمان مقاومت مفصل‌بندی و مفهوم‌پردازی شده‌اند و امنیت هستی‌شناختی آن از طریق رقابت و مقاومت در برابر گفتمان‌های غیرمادی نظیر لیبرال دموکراسی قطعیت می‌یابد.

**واژه‌های کلیدی:** اسلام سیاسی، ایران، غیریت، گفتمان مقاومت، امنیت هستی‌شناختی.

**استناد به این مقاله:** جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ محمدی مصیری، علی (۱۴۰۴). امنیت هستی‌شناختی گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران.

سیاست متعالیه، ۱۳(۱): ۴۳-۶۲. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.553217.1876>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

مقاومت در مقابل قدرت نامشروع و ناعادلانه شکل می‌گیرد. جایی که قدرت به سمت نامشروع بودن میل کند، مقاومت به‌عنوان آنتی‌تز آن ظهور می‌یابد. مقاومت به تناسب و مقتضیات زمان می‌تواند فعال یا به‌صورت منفعلانه پیگیری شود. گاهی در قالب تقیه، گاهی به‌صورت پنهان و نرم و گاهی ممکن است با اتکاء به نیروی سوم یا حتی قیام و انقلاب صورت‌بندی و وارد عمل گردد. سطح مقاومت، آستانه و تاب‌آوری در مقابل ظلم و بی‌عدالتی در میان ملت‌های مختلف متفاوت است. در واقع، اینکه یک کشور در مقابل تهدیدهای بیرونی چه واکنشی از خود بروز دهد، به منش ملی آن ملت بستگی دارد. برخی از ملت‌ها در مقابل تهدیدات بیرونی، منش «تسلیم‌پذیری»<sup>۱</sup> و برخی دیگر «مقاومت‌ورزی»<sup>۲</sup> را راهنمای عمل در سیاست خارجی و داخلی خود قرار می‌دهند. به عبارتی، برخی ملت‌ها مصلحت ملی خود را در سازش و تسلیم‌پی‌جویی می‌کنند و برخی دیگر، مقاومت و مبارزه را در یک پارادایم امنیت هستی‌شناسانه از طریق ایجاد یک هویت سیاسی قطعی در مقابل دگری به‌عنوان دشمن پیگیری می‌کنند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ص ۱۴۰-۱۷۰). بر این مبنا، جمهوری اسلامی ایران، با سابقه تاریخی و فرهنگی غنی، موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، با پیشینه مذهبی بسیار قوی و تعیین‌کننده به‌عنوان ملتی با منش ملی «مقاومت‌ورزی و تسلیم‌ناپذیری» شناخته می‌شود. ملتی که با مقاومت در مقابل رژیم استبدادی پهلوی در مرحله اول در مقابل استبداد، ظلم و بی‌عدالتی رژیم وقت ایستادگی کرد و نظم نوین و جدیدی را در قالب انقلاب اسلامی تعریف و مستقر نمود و در مرحله بعد، از طریق فعال نگه داشتن اندیشه مقاومت، نظم ناعادلانه نظام بین‌الملل را به چالش کشاند. این امر الگوی نوینی از مقاومت را وارد مناسبات بین‌المللی کرد؛ الگویی که بیش از هر چیزی رنگ‌وبوی مذهبی داشت و بار دیگر مذهب را با سیاست پیوند داد. در چنین فضایی، روابط جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های خارجی صورت خصمانه به خود گرفت که ریشه در مبانی هستی‌شناسانه آنان داشت؛ در واقع، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان سخن‌گو و محور یک آرمان جدید قلمداد می‌شد که در مقابل هژمونی قدرت‌های بزرگ قرار می‌گرفت. از این‌رو، اردوگاه سلطه‌ستیزان به رهبری انقلاب اسلامی به تاسی از اسلام و اردوگاه سلطه‌گران به رهبری غرب و آمریکا در مقابل یکدیگر در قالب دو گفتمان متعارض صف‌آرایی کرده‌اند. از این منظر، قدرت‌های خارجی همواره در صدد برآمدن‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی و تبلیغات گسترده رسانه‌ای، انقلاب اسلامی ایران و به‌تبع آن، گفتمان مقاومت را امنیتی جلوه دهند که در اصطلاح به آن «امنیتی کردن ایران» می‌گویند.

1. Surrender

2. Resist

بدین صورت، قدرت‌های خارجی به‌ویژه صهیونیسم و آمریکا با مخدوش‌سازی و وارونه‌سازی گفتمان مقاومت برآند تا انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت را غیرسازنده و ضدانسانی معرفی کنند. لذا، انجام تحقیقاتی جهت توصیف، تحلیل و تبیین گفتمان مقاومت و همچنین، شناساندن آن به بازیگران داخلی و خارجی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش بر این موضوع تمرکز دارد که گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران از چه مؤلفه‌های هستی‌شناختی تشکیل شده است و امنیت هستی‌شناختی آن چگونه قطعیت می‌یابد؟ فرضیه پژوهش بر این پاسخ استوار است که مهم‌ترین دال مرکزی گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران را، اسلام سیاسی (مذهب شیعه)، شکل می‌دهد و نظام معنایی گفتمان جمهوری اسلامی ایران، حول این دال برتر شکل می‌گیرد و امنیت هستی‌شناختی آن از طریق رقابت و مقاومت در برابر گفتمان‌های غیرمادی نظیر لیبرال‌دموکراسی قطعیت می‌یابد.

## ۲. پیشینه پژوهش

جدول ۱- پیشینه پژوهش

نویسندگان	سال انتشار	عنوان	نتیجه
حسینی‌زاده	۱۳۸۶	اسلام سیاسی در ایران	در این کتاب، گفتمان اسلام سیاسی به‌عنوان یک گفتمان شالوده شکن در مقابل با گفتمان‌های رقیب به‌ویژه غرب تعریف می‌شود. تکیه گفتمان اسلام سیاسی بر مذهب شیعه کار را برای گفتمان‌های رقیب مشکل کرده است.
اسکات	۱۳۹۶	سلطه و هنر مقاومت	اسکات به رابطه سه‌وجهی قدرت، ایدئولوژی و مقاومت پرداخته و سرچشمه جنبش‌های مقاومت‌طلبانه را نتیجه سلطه قدرتمندان بدون توجه به منافع فرودستان می‌داند که موجب شکل‌گیری روایت‌های پنهانی در مقابل سلطه می‌شوند.
ناظمی اردکانی و خالدیان	۱۳۹۷	مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام	در این مقاله بر مؤلفه‌های فرهنگی نظیر دین و ایمان، هویت ملی و اسلام‌گرایی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تثبیت و تقویت گفتمان مقاومت اسلامی در برابر گفتمان‌های رقیب نظیر گفتمان‌های غربی تأکید می‌شود.
متقی	۱۳۷۸	روبارویی غرب معاصر با جهان اسلام	این کتاب بر این مسئله تأکید دارد که بنیادهای هستی‌شناسانه تمدن اسلامی و غربی باعث تفاوت‌گرایی شده و این امر مقاومت اسلامی را در برابر غرب قطعیت بخشیده است.
قادری کنگاوری	۱۳۹۴	نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل	قادری کنگاوری، نظریه مقاومت را نظریه‌ای شالوده‌شکنانه می‌داند که به دنبال رهایی‌بخشی و غرب‌زدگی‌زدایی از روابط قدرت و سیاست در عرصه بین‌المللی است.
بابی	۱۳۷۹	هراس بنیادین اسلام‌گرایی و اروپامحوری	کتاب هراس بنیادین، در بررسی گفتمان اسلام‌گرایی و بازتاب آن در عرصه جهانی، بر شخصیت امام خمینی و انقلاب اسلامی متمرکز است. ظهور اسلام‌گرایی را موجب تخریب و فرسایش اروپامحوری و غرب می‌داند.

نویسندگان	سال انتشار	عنوان	نتیجه
مجیدی و همکاران	۱۳۹۷	الگوی مقاومت اسلامی مبتنی بر انسان‌شناسی علامه طباطبایی و شهید مطهری	در این مقاله، الگوی مقاومت اسلامی مبتنی بر چهار نیاز اساسی نظیر «تربیت»، «آزادی»، «امنیت» و «عدالت» تدوین و ارائه می‌گردد.
جوادی ارجمند و محمدی مصیری	۱۳۹۸	خاستگاه اندیشه مقاومت در ایران	در این مقاله، به خاستگاه اندیشه مقاومت در طول تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران پرداخته شده و مقاومت را معلول نظام استبدادی در ایران و سلطه‌طلبی‌های قدرت‌های خارجی می‌داند.

با توجه به مطالعات نویسنده در خصوص موضوع ذکر شده، به نظر می‌رسد پژوهشی به‌طور مستقل «امنیت هستی‌شناختی گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران» را مورد بررسی قرار نداده و ضرورت و نوآوری پژوهش حاضر آن است که گفتمان مقاومت از دو منظر گفتمانی و امنیت هستی‌شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

### ۳. چهارچوب نظری پژوهش: نظریه گفتمان

گرایش‌های مختلف علوم انسانی، تفسیرهای مختلفی از نظریه گفتمان وجود دارد. در حوزه علوم سیاسی، لاکلا و موفه مهم‌ترین نظریه‌های گفتمانی را ارائه کرده‌اند. لاکلا و موفه، براساس قواعد شناخت‌شناسانه زبان‌شناسی سوسور، گفتمان و پدیده‌های گفتمانی را مجموعه‌ای از دال‌ها و مدلول‌های معنادار می‌دانند که در قالب یک گفتمان، مفصل‌بندی شده و با هم ارتباط و معنا می‌یابند. بدین ترتیب، معنای پدیده‌ها در حوزه گفتمانی که در آن ظهور و بروز کردند، درک و فهم می‌شود (دبیری‌مهر، ۱۳۹۲: ص ۲۹)؛ مثلاً آزادی در لیبرال دموکراسی و سعادت در گفتمان اسلام سیاسی را می‌توان پدیده‌ای گفتمانی به‌شمار آورد. با توجه به نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. فعالیت‌ها و ایده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ‌چیز به‌خودی‌خود دارای هویت نیست؛ بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است، کسب می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳: ص ۵). با بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل گفتمانی، می‌توان هر پدیده اجتماعی را به‌مثابه امری زبانی و معنادار مورد مطالعه قرار داد؛ چرا که هر پدیده، مفهوم یا امر اجتماعی و سیاسی، در بستر زبان و از خلال روابط گفتمانی معنا می‌یابد. به بیان دیگر، فهم هر پدیده تنها در چارچوب یک گفتمان ممکن است؛ زیرا گفتمان کلیتی است که در آن هر نشانه و مفهوم، به‌واسطه پیوندش با دیگر دال‌ها و نشانه‌ها تثبیت و معنا پیدا می‌کند (پور زکی، ۱۳۹۶: ص ۶). از این‌رو، یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظریه و روش لاکلا و موفه، مفهوم نشانه است. بدین ترتیب، به‌نظر

می‌رسد که روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه از ظرفیت خوبی برای تحلیل هستی‌شناسانه از گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی برخوردار می‌باشد؛ بدین‌منظور، به مهم‌ترین مفاهیم تشکیل‌دهنده نظریه گفتمان لاکلا و موفه اشاره می‌شود.

(۱) **گفتمان**<sup>۱</sup>: کلیت ساختاردهی شده که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان نام دارد (Laclau & Muffe, 1985: p. 122).

(۲) **مفصل‌بندی**<sup>۲</sup>: هر عملی که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار کند، به‌نحوی که هویت و معنای این عناصر در نتیجه این عمل اصلاح و تعدیل شود (Laclau & Muffe, 2001: p. 105).

(۳) **دال مرکزی**<sup>۳</sup>: دال مرکزی نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند. هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند؛ مثلاً اسلام سیاسی در گفتمان مقاومت یک دال مرکزی محسوب می‌شود و مفاهیمی مانند آزادی، شهادت، مقاومت، حق‌طلبی، آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی و... با توجه به آن معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.

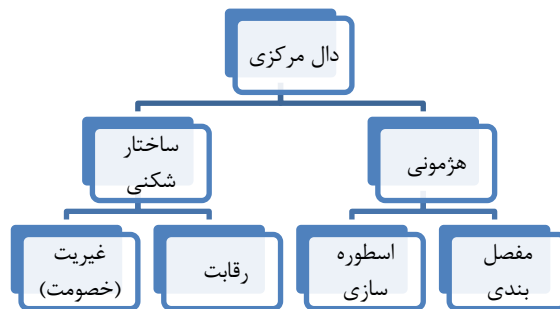
(۴) **خصومت و غیریت**<sup>۴</sup>: وجود دیگری متمایز از قطعیت هستی‌شناختی گفتمان‌ها به‌شمار می‌رود و نظریه گفتمان درصدد متمایزسازی خود از دیگری است. بدین‌ترتیب، شناخت ضدیت و غیریت در نظریه گفتمان، برای درک نشانه‌ها و معنای گفتمان‌ها ضروری است؛ تا جایی که قطعیت یافتن یک گفتمان در تعارض و رقابت با گفتمان‌های دیگر ممکن می‌شود (دبیری‌مهر، ۱۳۹۲: ص ۴۰). عینی‌ترین غیریت در گفتمان مقاومت، آمریکاستیزی و صهیونیسم‌ستیزی تعریف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که تداوم مبارزه و مقاومت در مقابل آنها در قالب گفتمان مقاومت به جمهوری اسلامی ایران امنیت هویتی و هستی‌شناختی می‌دهد.

(۵) **هژمونی**<sup>۵</sup>: مفهوم هژمونی یا استیلا حول این مفهوم است که در ساحت سیاست یا اجتماع، چه‌کسی برتر است (خرمشاد و جمالی، ۱۳۹۷: ص ۷). دال برتر در گفتمان مقاومت، دین اسلام به‌ویژه مذهب شیعه است که از جامعیت کامل برای همه امور زندگی بشر با تمامیت آن برخوردار است و معادل مفهوم هژمونی (برتری) در اجتماع و سیاست به‌کار گرفته می‌شود.

1. Discourse
2. Articulation
3. Nodal Point
4. Antagonism & Otherness
5. Hegemony

۶) رقابت: <sup>۱</sup> گفتمان‌ها همواره درصدد برجسته کردن توانایی‌های خود و نقاط ضعف دیگری هستند. از این‌رو، رقابت جوهره اصلی و دائمی نظریه گفتمان به‌شمار می‌رود. غیر می‌تواند همواره به‌عنوان یک رقیب در صحنه حضور داشته باشد و علاوه بر رونق فضای رقابت به‌عنوان یک نیروی سازنده در ایجاد و شکل‌گیری هویت، ایفای نقش کند (دبیری‌مهر، ۱۳۹۲: ص ۴۶). به‌عنوان مثال، گفتمان مقاومت، مهم‌ترین رقیب لیبرال دموکراسی غربی به‌شمار می‌رود.

۷) ساختارشکنی: <sup>۲</sup> ساختارشکنی روی دیگر هژمونی است که در نتیجه آن دال از مدلول جدا شده و هژمونی از بین می‌رود. به‌نحوی که در گفتمان لیبرال دموکراسی، فردیت و عقلانیت ابزاری دال مرکزی بود و مفاهیمی مانند عدالت، آزادی و خوشبختی با معیار عقل ابزاری و محقق شدن فردیت سنجیده می‌شد. در مقابل، گفتمان مقاومت برای ساختارشکنی به‌سراغ دال مرکزی آن رفت و با مطرح‌کردن جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی و عقلانیت معنوی در مقابل عقلانیت ابزاری دال را از مدلول جدا ساخت (دبیری‌مهر، ۱۳۹۲: ص ۵۰). بر این اساس، نظریه لاکلا و موفه در زمینه گفتمان را می‌توان از کاربردی‌ترین نظریات در این حوزه دانست؛ در واقع، آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه را از سایر نظریات گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است. در نتیجه، نظریه لاکلا و موفه، معنا، سیاست و اجتماع را باهم ترکیب می‌کند و یکجا به تحلیل آنها می‌پردازد؛ نقطه حرکت این نظریه از اجتماع به‌سوی معنا نهفته است. از این‌رو، به‌کارگیری نظریه گفتمان را می‌توان هم در قامت یک نظریه و هم به‌عنوان یک چهارچوب مفهومی برای تحلیل و توصیف پدیده‌های اجتماعی و سیاسی به‌کار گرفت.



نمودار ۱- مدل نظری تحلیل گفتمان

1. Adversary
2. Deconstruction

### ۳-۱. نقد وارده بر نظریه و تحلیل گفتمانی

اگرچه نظریه و روش گفتمانی، نظریه نسبتاً جدیدی به‌شمار می‌رود؛ تاکنون مورد نقدهایی قرار گرفته است. از جمله نظریه لاکلا و موفه که در زمره نظریه‌های نسبی‌گرا و پست‌مدرن قرار می‌گیرد، با مبنای تفکر اسلامی همخوانی ندارد؛ چراکه هسته اصلی تفکر اسلامی مبتنی بر جوهرگرایی و در نتیجه، دارای روایتی کلان از زندگی بشری است و معیار اصلی برای دستیابی به حقایق جهان هستی را عقل و نص می‌داند. در واقع، اسلام‌گرایان نه تنها بر اساس روابط قدرت و نفی غیر، بلکه بر اساس آنچه که راه درست و پیام الهی می‌دانند، تفکر می‌کنند و طبق آن رفتارها و کردارهای خود را معنا می‌بخشند. بر این اساس، تحلیل گفتمانی برخلاف داشتن امتیازاتی در تحلیل سیاسی، ناسازگاری‌هایی با تفکر اسلامی دارد؛ زیرا این نظریه نسبت‌گرا بوده و ضد مبنای است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ص ۴۳). محمدرضا تاجیک به‌عنوان یکی از صاحب‌نظرانی که در حوزه گفتمانی، آثاری از خود به‌جای گذاشته است، ضمن پذیرش نقدهای وارده بر نظریه گفتمانی لاکلا و موفه، بر این باور است که به‌کارگیری نظریه‌های لاکلا و موفه در مطالعات ملی و اسلامی با در نظر گرفتن ملاحظات و نگاه جوهرگرایانه اسلام مبتنی بر رویکردی بومی‌گرایانه از قدرت تحلیلی بهتری برخوردار است (تاجیک، ۱۳۸۵: ص ۲۷۶-۲۷۷). بر این مبنا در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن ماهیت جوهرگرای گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران، از چهارچوب نظری لاکلا و موفه استفاده شده است.

### ۴. روش تحقیق

در این پژوهش از گفتمان به‌مثابه یک روش استفاده می‌شود. در این دیدگاه، امور اجتماعی و سیاسی و به‌کلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهم‌اند و گفتمان‌ها به فهم ما از جهان شکل می‌دهند. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر، اطلاعات و داده‌ها به‌صورت اسنادی- کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با استفاده از چهارچوب مفهومی و نظری «نظریه گفتمان» که از قابلیت بالایی برای درک هستی‌شناسی گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است، به توصیف و تحلیل مؤلفه‌های هستی‌بخش گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

### ۵. گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران

خاستگاه اندیشه مقاومت، ریشه در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران دارد. ذهنیت تلخ حضور بیگانگان در جامعه ایرانی و نقش منفی قدرت‌های خارجی در بزنگاه‌های تاریخی، تأثیر به‌سزایی در نهادینه کردن و صورت‌بندی گفتمان مقاومت در مقابل ظلم و بی‌عدالتی داشته است. در این میان، ظرفیت سیاسی دین اسلام

(شیعه) برای صورت‌بندی مفاهیم و مفصل‌بندی نشانه‌ها و معانی گفتمانی در بهره‌گیری از شرایط و مقتضیات عینی (وجود ظلم و بی‌عدالتی) بسیار حائز اهمیت بوده است؛ به‌نحوی که اسلام شیعی از طریق جدا کردن دال‌ها و مدلول‌های گفتمان‌های رقیب، به شالوده‌شکنی و ساختارشکنی دست زد و به‌تبع آن، دال‌ها و مدلول‌های متناسب با ظرفیت سیاسی شیعه را در قالب گفتمان نوینی به جهان عرضه کرد (محمدی مصیری، ۱۳۹۷: ص ۲۷). در واقع، گفتمان مقاومت، نوعی اندیشه بومی‌گرایی بود که از طرف جریان مذهبی و روحانیون در ایران به مقابله فکری با جریان‌های مادی‌گرا و غیردینی پرداخت و راه نجات ایران به‌طور اخص و ملت‌های جهان به‌طور اعم را بازگشت واقعی به نشانه‌ها و دال‌های برتر اسلام و مقاومت در برابر هرچیزی که غیراسلامی و ناعادلانه بود، می‌دانست (شفیعی‌فر، ۱۳۹۴: ص ۷۳). گرام فولر، اسلام شیعی را دارای ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی می‌داند که از ظرفیت بالایی برای ایجاد فضایی در برابر درد و رنج ناشی از بی‌عدالتی برخوردار است (فولر، ۱۳۷۲). بر این مبنای، ظرفیت سیاسی مذهب شیعی توأم با فرهنگ و منش مقاومت‌ورزی ملت ایران، در فضایی از ظلم و بی‌عدالتی که از استبداد داخلی و زیاده‌خواهی قدرت‌ها ناشی می‌شد، زبان مقاومت را وارد عرصه گفتمانی کرد و از طریق مفصل‌بندی مفاهیم و معانی آن، نمود عینی و عملی خود را در پیروزی انقلاب اسلامی یافت (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ص ۱۵۷). بدین ترتیب، دال مرکزی گفتمان مقاومت را اسلام شیعی شکل می‌دهد و سایر معانی و مفاهیم گفتمانی حول این دال برتر صورت‌بندی و مفهوم‌پردازی می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۶: ص ۲). مفصل‌بندی گفتمان مقاومت که در نظام معنایی اسلام شیعی پیگیری می‌شود، دارای دو بُعد سلبی و ایجابی است؛ و از آنجایی که سرمنشأ دال‌ها و مدلول‌های گفتمان مقاومت از ماهیت فرامادی برخوردار است، امنیت هستی‌شناختی که بر بُعد معنوی و معنایی گفتمان تأکید دارد، بسیار برجسته است؛ به‌گونه‌ای که متضمن نوعی تکلیف و رسالت اخلاقی و الهی است تا حقوق فردی و منافع مادی.

## ۱-۵. دال‌های سلبی گفتمان مقاومت

### ۱-۱-۵. نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

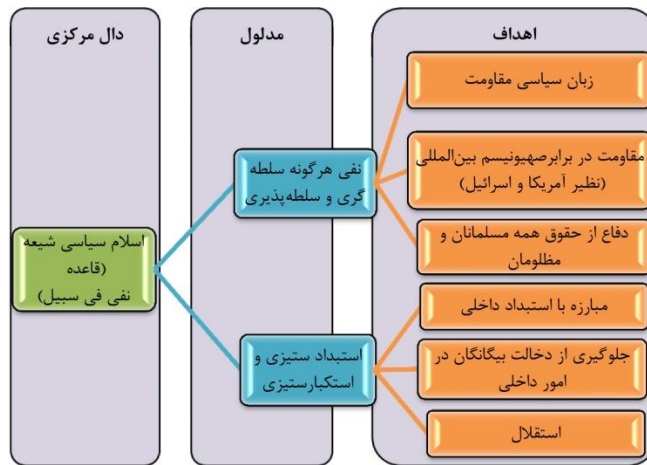
گفتمان مقاومت که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مناسبات بین‌المللی وارد شد، گفتمان‌های غیرمادی حاکم بر نظام بین‌الملل را به چالش کشاند. نفی سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ در کانون توجه انقلاب اسلامی قرار گرفت. این قاعده که برگرفته از مبنای سیاسی دین اسلام بوده و ریشه در قاعده «نفی سبیل» دارد، به‌عنوان یکی از مفاهیم سلبی گفتمان مقاومت صورت‌بندی شد (رایگان و قاسمیان، ۱۳۹۳: ص ۱۳۹). در این

قاعده دو موضوع مورد نظر است؛ اول آنکه، با عملی شدن این قاعده، عزت نفس مسلمان و جامعه اسلامی حفظ می‌شود و در سایه استقلال امکان پیشرفت فراهم می‌گردد؛ دوم، از طریق تمایز میان دوست (مسلمانان) و دشمن (کفار) به ایجاد غیریت دست زده و گفتمان مقاومت در مناسبات بین‌الملل از قطعیت بیشتری برخوردار خواهد شد. بر این مبنا، گفتمان مقاومت از طریق قطعیت بخشیدن به مؤلفه‌های هستی‌بخش خود، امنیت هستی‌شناختی خود را که از ضروریات استمرار گفتمانی است، تأمین و تضمین می‌کند. نمود عینی و عملی اصل «نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» در فصل دهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصل ۵۲ و ۵۴ در ارتباط با سیاست خارجی مورد تأکید قرار گرفته است. در این اصول، به نفی هرگونه تسلیم‌پذیری و سلطه‌جویی تأکید شده و سیاست عدم تعهد در مقابل قدرت‌های سلطه‌جو را اتخاذ کرده و به حمایت از ملت‌های مظلوم اشاره دارد (ازغندی، ۱۳۹۱: ص ۷۶). بدین ترتیب، رفتارها و سیاست‌های عملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو گفتمان مقاومت نهادینه و پیگیری می‌شود. به‌گونه‌ای که عزت و مصلحت و سعادت نظام اسلامی در سیاست خارجی از طریق تداوم رویه‌های رفتاری عادی شده در گفتمان مقاومت محقق می‌شود و هرگونه وقفه در روال‌های عادی و نظام اعتماد پایه گفتمان مقاومت، رویکرد انقلاب اسلامی را با عدم قطعیت امنیت هستی‌شناختی مواجه می‌کند.

### ۵-۱-۲. استبدادستیزی و استکبارستیزی

یکی از مهم‌ترین مدلول‌های مفهوم‌پردازی شده در گفتمان مقاومت، استبدادستیزی به‌عنوان یک مؤلفه سلبی است. نمود عینی و عملی این مفهوم در ادبیات سیاسی اندیشه امام خمینی در مبارزه با رژیم پهلوی و برانداختن استبداد داخلی و جایگزین کردن آن با نظم نوینی تحت عنوان انقلاب اسلامی طنین‌انداز شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ص ۱۳۲). به‌تبع پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت گفتمان مقاومت، مبارزه با بی‌عدالتی در سطح مناسبات بین‌الملل ادامه یافت و مدلول دیگری از گفتمان مقاومت تحت عنوان استکبارستیزی و استعمارستیزی، مفهوم‌پردازی شده و معنا یافته است. بر این مبنا، در گفتمان مقاومت، تحسین دادگری ارزش تلقی شده و مبارزه با ستمگری و تقیح آن، تکلیف الهی، انسانی و اخلاقی به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب، استبدادستیزی و استکبارستیزی از نشانه‌های گفتمان مقاومت است. انقلاب اسلامی نیز بخش مهمی از هویت خود را از این گفتمان می‌گیرد و برای حفظ هویت و امنیت هستی‌شناختی خود ضروری می‌داند که در چهارچوب گفتمان مقاومت، به بازتولید مفاهیمی همچون استبدادستیزی در بُعد داخلی و استکبارستیزی در بُعد خارجی دست بزند (فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ص ۷۶-۷۷). در واقع، دال‌ها و مدلول‌هایی که در چهارچوب گفتمان مقاومت مفهوم‌پردازی شده‌اند، به عناصر بنیادین نظام معنایی و

سیاسی جمهوری اسلامی ایران بدل شده‌اند. استمرار، بازتولید و تقویت این گفتمان مستلزم تداوم پیگیری این مؤلفه‌ها در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی است؛ چراکه هرگونه وقفه در این روند می‌تواند تهدیدی برای امنیت هستی‌شناختی نظام و انسجام گفتمان مقاومت تلقی شود. در حقیقت، تداوم حیات گفتمان‌ها وابسته به پویایی و پیگیری مستمر دال‌هایی است که در قالب رویه‌ها و رفتارهای نهادینه‌شده، به صورت عینی بازتاب یافته و اعتماد بنیادین نظام را بازنمایی می‌کنند.



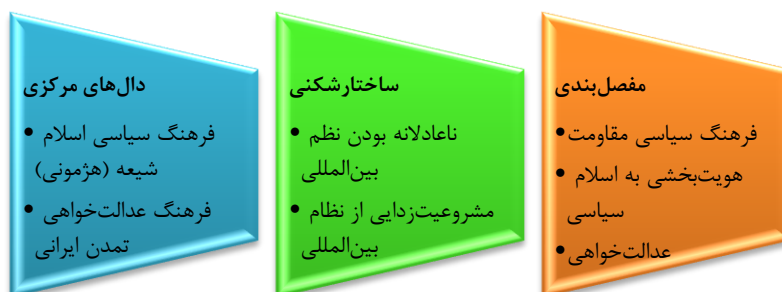
نمودار ۲- بخش سلبی گفتمان مقاومت

## ۲-۵. دال‌های ایجابی گفتمان مقاومت

### ۲-۵-۱. عدالت‌خواهی و حق‌طلبی

مفصل‌بندی گفتمان مقاومت در ایران، ریشه در تحولات تاریخی، فرهنگ و تمدن ایرانی و نقش برجسته مذهب شیعه دارد. عدالت‌خواهی و حق‌طلبی به‌عنوان یکی از مدلول‌های گفتمان مقاومت، از منش مقاومت‌ورزی ملت ایران که آراسته به فرهنگ غنی و مذهبی الهی است، سرچشمه می‌گیرد. عدالت‌خواهی یکی از دال‌های مرکزی مذهب شیعه را شکل می‌دهد و ارزشی بنیادین دارد که به‌عنوان یک تکلیف در آگاهی شیعیان ظهور کرد و زمینه‌ساز حرکت‌ها و جنبش‌های عدالت‌خواهانه بوده است (ابوطالبی، ۱۳۸۴: ص ۱۳). براساس روایت انقلاب اسلامی، نظم حاکم بر مناسبات بین‌المللی، نه‌تنها عادلانه نیست، بلکه به‌نفع قدرت‌های مسلط عمل کرده و در قبال کشورهایی چون جمهوری اسلامی ایران بر مبنای معیارهای دوگانه و تبعیض‌آمیز رفتار می‌کنند؛ موضوعاتی نظیر حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، حقوق بشر، حاکمیت

سیاسی، تروریسم و... (فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲: ص ۱۹۸). بدین ترتیب، صورت‌بندی عدالت‌خواهی در قالب گفتمان مقاومت بر واقعیت‌های عینی و عملی استوار است و جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری مطالبات و حقوق خود در مناسبات بین‌المللی از طریق ساختارشکنی از نظم موجود بین‌الملل و تفکیک دال‌ها و مدلول‌های ناعادلانه به بازتولید مفهوم عدالت در قالب گفتمان مقاومت مبادرت ورزیده و به‌عنوان یک گفتمان رقیب در عرصه بین‌الملل ظهور یافت. مفهوم‌پردازی عدالت در گفتمان مقاومت، حول دال مرکزی آن (اسلام) شکل گرفت و عدالت در روایت انقلاب اسلامی با ماهیت اسلامی آن پذیرفته و شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که عدالت‌گرایی اسلامی، تکلیف‌محور است و جلوه‌هایی از احساس و عواطف انسانی، معنویت‌گرایی، اهداف شهادت‌طلبانه و در نهایت، روح قیامت‌نگر را بازنمایی می‌کند (متقی، ۱۳۷۸: ص ۳۰۶). از این‌رو، گفتمان مقاومت از مؤلفه‌های هستی‌بخشی ارتزاق می‌کند که فراتر از درد و رنج مادی قابلیت تسری به ملت‌های جهان را دارد. به هر میزان که روال‌های عادی و نظام پایه در گفتمان مقاومت با قطعیت مواجه شوند به همان تناسب، روح عدالت‌خواهی در میان ملت‌های مسلمان از آمادگی بیشتری برای مقاومت در برابر قدرت‌های سلطه‌طلب برخوردار خواهد بود و به‌تبع آن آمادگی برای درد و رنج ناشی از مقاومت‌های عدالت‌طلبانه افزایش می‌یابد.

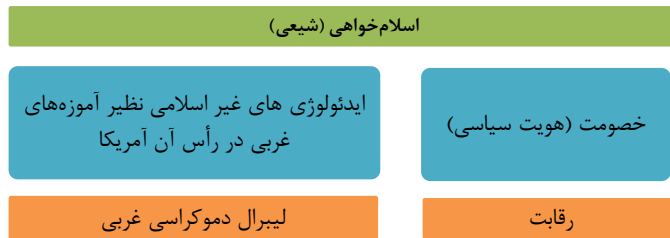


نمودار ۳- عدالت‌خواهی و ساختارشکنی در قالب فرهنگ مقاومت

### ۵-۲-۲. اسلام‌خواهی

اسلام‌گرایی دال برتر گفتمان مقاومت به‌شمار می‌آید که سایر مفاهیم حول این دال اصلی صورت‌بندی شده و معنا می‌یابند. وقتی از اسلام‌خواهی به‌عنوان دال مرکزی گفتمان مقاومت یاد می‌شود، انقلاب اسلامی در قالب این گفتمان، هویت سیاسی نوینی در مقابل سایر نظام‌های غیراسلامی ایجاد می‌کند (امیدی و زارع، ۱۳۹۰: ص ۶۹-۷۴). بر این مبنای، در چهارچوب گفتمان مقاومت که پایه‌های هستی‌شناختی خود را از اسلام

شیعی می‌گیرد، غرب و آموزه‌های غربی در قالب گفتمان لیبرال‌دموکراسی به‌عنوان «دیگری» قلمداد شده و مبارزه با آن به‌عنوان رقیب و دشمن و ضدیت با آن در دستور کار گفتمان مقاومت قرار می‌گیرد و مفاهیم اصلی آن در تضاد و رقابت با آن مفصل‌بندی می‌شوند. بر این اساس، روایت انقلاب اسلامی از گفتمان مقاومت، ایدئولوژی نوینی را وارد فضای گفتمانی روابط بین‌الملل نموده و طلیعه‌دار نوعی مقاومت‌طلبی و مقاومت‌ورزی براساس آموزه‌های اسلامی است. به‌گونه‌ای که مؤلفه‌های هویت‌بخش آن در تضاد و تعارض با ایدئولوژی‌های مسلط قرار گرفته و نوعی جنگ ایدئولوژیک و هستی‌شناسانه میان گفتمان مقاومت به رهبری انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی به رهبری غرب و آمریکا شکل گرفت. بدین صورت، هرگونه مبارزه‌طلبی و مقاومت‌طلبی در مقابل غرب و آموزه‌های آن نمادی از اسلام‌خواهی معنا می‌شود.



نمودار ۴- غیریت اسلام سیاسی (هویت سیاسی)

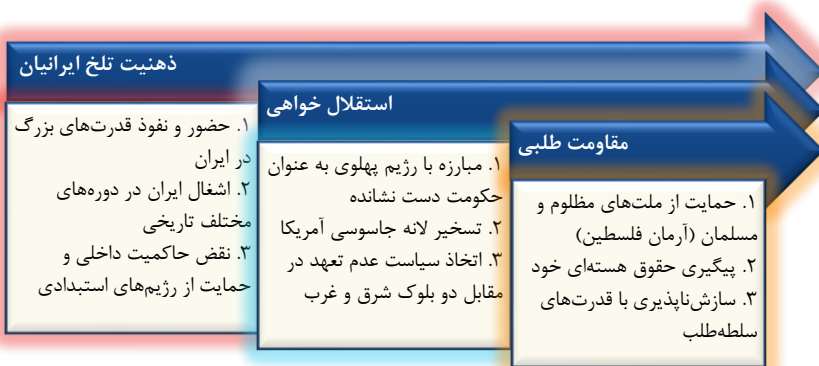
### ۵-۲-۳. صلح‌طلبی

گفتمان مقاومت ریشه در واقعیت‌های جامعه دارد و مبتنی بر یک نوع جامعه‌شناسی شناخت است و معلول ظلم و بی‌عدالتی و قدرت‌طلبی قدرت‌های خارجی است و هدف آن نه جنگ و آشوب بلکه صلح و صلح‌طلبی است. از این‌رو، شکل‌گیری گفتمان مقاومت و به‌تبع آن به‌مبارزه طلبیدن گفتمان‌های غربی، اقدامی واکنشی است که خواهان برقراری صلح عادلانه است (متقی، ۱۳۸۷: ص ۵۱). در واقع، اسلام به‌عنوان دال برتر گفتمان مقاومت، خشونت، ترس و وحشت عمومی را نتیجه سلطه نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های مادی‌گرایانه می‌داند و بدین‌سبب درصدد ایجاد رویه‌های صلح‌آمیز و عادلانه است؛ چراکه اسلام دینی است الهی، انسان‌ساز و ضدانسانی که انسان‌ها را به همکاری، صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ص ۱۳۷). از منظر اسلام، مقتضای فطری انسان ایجاب می‌کند که در روابط و مناسبات خود با هم‌نوعان خویش، «صلح و سلام» را اصل قرار دهند و جنگ، تعارض و ستیز حالتی موقتی و عارضی داشته، نه دائمی یا طبیعی (کوهکن، ۱۳۹۵: ص ۱۵). بدین ترتیب، گفتمان مقاومت، اهدافی صلح‌طلبانه دارد و برخلاف تفسیرهای شرق‌شناسان، مقاومت به‌خودی‌خود هدف نیست؛ بلکه ابزاری است

برای رسیدن به صلح عادلانه و ریشه‌کن کردن ظلم و بی‌عدالتی. به تعبیری دیگر، گفتمان مقاومت، به صورت فعال و مستمر است و زمانی خصومت، خشونت و دشمنی را در دستور کار قرار می‌دهد و جهاد به یک تکلیف الهی تبدیل می‌شود که کفار بر سر راه حق قرار گرفته و یا با مسلمانان وارد جنگ شوند.

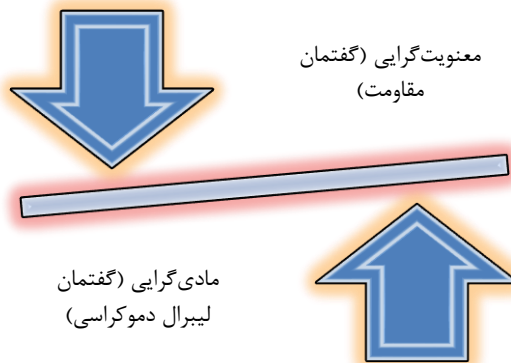
### ۵-۲-۴. استقلال‌طلبی

منش مقاومت‌ورزی ایرانیان، سبب شده است که افشار دینی و ملی ایران از هرگونه سازش و انطباق با قدرت‌های خارجی که استقلال و حاکمیت سیاسی ایران را نقض می‌کند، اجتناب نموده و در مقابل سلطه‌طلبی قدرت‌های بزرگ، مقاومت و سرسختی نشان دهند. بدین ترتیب، یکی از مؤلفه‌های هستی‌بخش گفتمان مقاومت، استقلال‌طلبی و اقتدار است. استقلال‌طلبی و انقلابی‌گری مبتنی بر هویت دینی، رویارویی و تعارض با غرب را اجتناب‌ناپذیر کرده است و گفتمان مقاومت، قطعیت خود را تا حدود زیادی در قالب این دوگانگی پیگیری می‌کند (سریع القلم، ۱۳۷۹: ص ۳۴-۳۵). استقلال‌طلبی در فرهنگ ایرانی همانند سایر مفاهیم بنیادی در گفتمان مقاومت معنا و مفهوم می‌یابد؛ و معلول ذهنیت تلخ حضور بیگانگان و اشغال ایران و نقض حاکمیت سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخی است (قنبرلو، ۱۳۹۱: ص ۶۵). بدین ترتیب، مفهوم استقلال‌طلبی در گفتمان مقاومت در بستر تقابل با سیاست‌های استعماری و سلطه‌جویانه قدرت‌های خارجی، به‌ویژه کشورهای غربی، شکل گرفته و معنا یافته است. در این چارچوب، تداوم تعارض با غرب نه تنها نشانه‌ای از استقلال‌طلبی، بلکه مؤلفه‌ای هویت‌ساز برای گفتمان مقاومت محسوب می‌شود. از این منظر، استمرار منازعه با غرب نقش اساسی در بازتولید هویت سیاسی انقلاب اسلامی در قالب پارادایم مقابله با سلطه دارد و موجب تداوم معنا و حیات دال‌ها و مدلول‌های بنیادین گفتمان مقاومت می‌گردد.



## ۵-۲-۵. معنویت‌گرایی

معنویت‌گرایی، ایده‌ای است که در اعتراض و انتقاد به مادی‌گرایی محض از آموزه‌های اسلامی مستفاد می‌گردد. برخی از تحلیل‌گران نظیر فوکو، پیروزی انقلاب اسلامی را بهره‌مندی امام خمینی از ظرفیت و کارکرد معنویت‌گرایی می‌دانند (به نقل از: کوهکن، ۱۳۹۵: ص ۲۲). اولویت معنویت‌گرایی بر مادی‌گرایی، همان ویژگی است که باعث پیروزی انقلاب اسلامی و تمایز آن با سایر انقلاب‌ها شده و پس از استقرار و تثبیت آن، خصلت گفتمانی به خود گرفته و گفتمان‌های رقیب نظیر لیبرال دموکراسی را به چالش کشانده است. بدین صورت، یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌های موجود، جمع و تلفیق میان عقلانیت و معنویت‌گرایی در سیاست است (خرمشاد، ۱۳۷۷: ص ۲۲۰-۲۲۱). در واقع، گفتمان مقاومت، اقدامی واکنشی در مقابل انحرافات فکری، علمی، نظری و عملی دوران معاصر و مدرن است که در صدد ارائه تعریف جدیدی از «عقلانیت سیاسی»<sup>۱</sup> است که ماهیت و جوهره آن را معنویت‌گرایی تشکیل می‌دهد. این نوآوری، منجر به ساختار شکنی در دال‌های مرکزی گفتمان لیبرال دموکراسی از جمله عقلانیت ابزاری می‌شود و به همان نسبت باعث تفکیک دال‌ها و مدلول‌های آن می‌گردد.



نمودار ۶- تمایز و تعارض گفتمانی بر مبنای معنویت‌گرایی

## ۵-۲-۶. مصلحت‌گرایی

مصلحت‌گرایی در گفتمان مقاومت بدین‌گونه صورت‌بندی می‌شود که نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تجلی و نمود عینی مقاومت‌طلبی و مقاومت‌ورزی، ام‌القرای جهان اسلام محسوب می‌شود و

مصلحت آن اولویت و ضرورت دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ص ۲۱۵). در واقع، مصلحت‌گرایی بنابر مقتضیات و موقعیت زمانه به‌پیش می‌رود و مبارزه با نظام سلطه با رعایت مصلحت مسلمین و مبتنی بر طرح و برنامه‌ریزی راهبردی با توجه به امکانات و محدودیت‌ها پیگیری می‌شود (صدقی، ۱۳۸۶: ص ۱۷۹). در صورت تزاخم و تعارض میان مصالح ام‌القرای جهان اسلام (انقلاب اسلامی) و ولایت جهان اسلام، مصلحت و حفظ و دفاع از ام‌القری اولویت دارد و تکلیف و رسالت دینی به‌شمار می‌رود (ولی‌پور زرومی، ۱۳۷۷: ص ۷۲). در مجموع، مصلحت‌گرایی در گفتمان مقاومت، به‌دنبال تضمین امنیت ام‌القری است (احمدی طباطبایی، ۱۳۹۰: ص ۱۶۶). بر این مبنای، نشانه‌هایی که در فرآیند مقاومت‌ورزی به‌جود می‌آید، به‌معنای دست کشیدن از آرمان و اهداف مقاومت اسلامی نیست؛ بلکه در شرایط مقتضی هدف مصالحه، حداکثرسازی مقاومت و در اینجا نوعی تاکتیک سیاسی به‌شمار می‌رود.

### ۵-۲-۷. آرمان‌گرایی

آرمان‌گرایی اسلامی، هژمون گفتمان مقاومت به‌شمار می‌رود. در حقیقت، گفتمان مقاومت درصدد تعریف، تفسیر و برداشت حداکثری از انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی و صدور آن به همه جهان اسلام با وعده تشکیل حکومت اسلامی جهانی است. خصلت آرمان‌گرایانه گفتمان مقاومت، ماهیت و رسالتی فراملی به آن می‌دهد و همین امر سبب آن است که بتواند در سطح جهانی با گفتمان‌های رقیب به رقابت و مبارزه برخیزد (عنایت، ۱۳۶۲: ص ۵۴). بر مبنای هژمون‌گرایی گفتمان مقاومت در مناسبات داخلی و بین‌المللی، نوعی ساختار شکنی و شالوده‌شکنی از مفهوم دولت-ملت وجود دارد که نظم بین‌المللی متکی بر آن است و جایگزینی آن، واحد «امت» و تشکیل حکومت جهانی بر مبنای آموزه‌های اسلامی به‌عنوان هسته اصلی نظم جایگزین است (ازغندی، ۱۳۹۱: ص ۱۸۸). بدین ترتیب، هژمونی گفتمان مقاومت از طریق بازتعریف نظم و نسق جدید به‌دنبال مشروعیت‌زدایی از نظم موجود مبتنی بر دولت-ملت و حاکم بر نظام بین‌المللی است و در این میان، اسلام و الزام و تعهد به آن، به‌عنوان یک آرمان و تکلیف قطع‌نظر از پیامدهای مادی آن پیگیری می‌شود. از این‌رو، گفتمان مقاومت به‌عنوان یک گفتمان فرامادی، به‌جای منطق نتایج از منطق تناسب و اقتضا تبعیت می‌کند و مصالح امنیت هستی‌شناختی را بر نتایج و پیامدهای مادی‌گرایانه ترجیح می‌دهد.



## ۶. نتیجه‌گیری

گفتمان مقاومت در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان اقدامی واکنشی در مقابل ظلم و بی‌عدالتی ناشی از استبداد داخلی و سلطه‌طلبی قدرت‌های خارجی ظهور و بروز یافت. مهم‌ترین دال مرکزی آن مبتنی بر اسلام و آموزه‌های شیعی است؛ بدین صورت، ایجاد غیریت و خصومت، ساختارشنکی، رقابت، هژمونی و هویت

سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر روایت هستی‌شناختی دال مرکزی اسلام شیعی مفصل‌بندی و مفهوم‌پردازی شده‌اند و به تبع آن، امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران از طریق پیگیری مستمر و مداوم مؤلفه‌های هستی‌بخش که رویه‌های نظام اعتماد پایه گفتمان مقاومت و انقلاب اسلامی به‌شمار می‌روند، قطعیت می‌یابد. از این‌رو، امنیت هستی‌شناختی گفتمان مقاومت به‌صورت ذیل بر مبنای روش و نظریه گفتمان، تحلیل و مصداق‌سازی می‌شود:

۱) در ادبیات گفتمانی جمهوری اسلامی ایران، مفهوم «دشمن» معادل با «غیریت» در نظریه گفتمان تلقی می‌شود. در چارچوب گفتمان مقاومت، این غیریت به نظام سلطه و استکبار جهانی اشاره دارد که تجلی عینی آن در سطح بین‌المللی، ایالات متحده و صهیونیسم است. بر این اساس، سلطه‌ستیزی و استکبارستیزی به‌عنوان اصول محوری این گفتمان شناخته می‌شوند، هرچند مصادیق و نمودهای عینی آن ممکن است با تغییر شرایط تاریخی و سیاسی دچار تحول شوند.

۲) ساختار شکنی از دیگر مفاهیم نظریه گفتمان است که در گفتمان جمهوری اسلامی ایران به‌سمت نظام ناعادلانه بین‌المللی جهت‌گیری شده است. گفتمان مقاومت، نظم حاکم بر روابط بین‌الملل را ناعادلانه تلقی می‌کند و با ایجاد موج‌های مقاومت و حمایت از محرومین و مستضعفان در صدد شکستن نظم و نسق موجود و ایجاد نظمی مبتنی بر گفتمان مقاومت اسلامی و عادلانه است.

۳) گفتمان مقاومت، در رقابت و تقابل با ایدئولوژی‌های دیگری نظیر کمونیسم، لیبرال دموکراسی غربی و هر ایدئولوژی غیراسلامی قرار می‌گیرد. این امر به مفهوم آن است که ستیزش، تضاد و کشمکش میان قالب‌های ایدئولوژیک در نظام اسلامی و ساختارهای غربی همچنان ادامه خواهد یافت.

۴) مفهوم هژمونی یا همان دال برتر در گفتمان مقاومت، اسلام است. اسلام به‌عنوان دینی که مدّعی برنامه کامل در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب گفتمان مقاومت، نمود عینی پیدا کرد و با به‌چالش کشیدن نظم موجود بین‌المللی، در صدد ایجاد نظم مطلوب و موردنظر خود و به‌حاشیه راندن هژمونی حاکم بر روابط بین‌المللی است.

۵) امنیت هویتی و امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد هویت سیاسی و تمیز دادن دوست و دشمن در قالب گفتمان مقاومت پیگیری می‌شود و در ارتباط با دال مرکزی گفتمان مقاومت یعنی اسلام سیاسی به دو حوزه دارالسلام و دارالکفر مفهوم‌پردازی و مرزبندی شده است.

## منابع

- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۴). نقش فرهنگ شیعی در انقلاب اسلامی ایران. معرفت، شماره ۹۸.
- احمدی طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۹۰). نسبت منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی نظام جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی. *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۵.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری ایران*. تهران: نشر قومس.
- اسکات، جیمز سی (۱۳۹۶). *سلطه و هنر مقاومت*. مترجم، افشین خاکباز. تهران: نشر مرکز.
- امیدی، علی؛ زارع، وحیده (۱۳۹۰). بنیان‌های فرهنگی - هویتی رویارویی آمریکا با اسلام‌گرایان. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۵(۱۴).
- بابی، سعید (۱۳۷۹). *هراس بنیادین؛ اروپامداری و ظهور اسلام سیاسی*. مترجم: غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- پورزکی، گیتی (۱۳۹۶). چالش در تثبیت مردم‌سالاری دینی و تعلیق مدلولی. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۸(۴).
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۵). نظریه گفتمان و مطالعات اسلامی. *علوم سیاسی*، شماره ۳۵.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ محمدی مصیری، علی (۱۳۹۸). *خاستگاه اندیشه مقاومت در ایران*. پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۱۶.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خرمشاد، باقر؛ جمالی، جواد (۱۳۹۷). امر سیاسی و گفتمان‌های سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی. *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۴.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷۷). فوکو و انقلاب اسلامی ایران؛ معنویت‌گرایی در سیاست. *پژوهشنامه متین*، شماره ۱.
- دبیری‌مهر، امیر (۱۳۹۲). *مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۴). موانع ساختاری برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. *دانشنامه حقوق و سیاست*، ۱(۲).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۲). *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رایگان، محمود؛ قاسمیان، رضا (۱۳۹۳). نقش قاعده فی سبیل‌الله در توسعه جوامع اسلامی. *حکومت اسلامی*، ۱۹(۱).
- رجبی، هادی؛ اسدی، حیدر (۱۳۹۶). نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی ایران. *سیاست*، شماره ۱۶.
- سریع‌القولم، محمود (۱۳۷۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به‌مثابه روش و نظریه. *علوم سیاسی*، شماره ۲۸.

- شفیعی فر، محمد (۱۳۹۴). جریان‌های فکری ایران در دوره معاصر (جزوه). دانشگاه تهران.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲). *اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر*. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- فولر، گراهام (۱۳۷۲). *قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۴). *نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات مخاطب.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱). تهدیدات امنیتی خارجی و تکوین استقلال‌طلبی در سیاست خارجی ایران. *دانش سیاسی و بین‌الملل*، ۱(۴).
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶). نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیت محور مقاومت. *پژوهش ملل*، ۲(۲۰).
- کوهکن، علیرضا (۱۳۹۵). انقلاب اسلامی و گسترش صلح مثبت. *اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۱۰.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۸). *رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). *بررسی الگو و فرایندهای تقابل‌گرایی ایران و آمریکا*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- مجیدی، حسن؛ کیمیایی دوین، ابراهیم (۱۳۹۷). *الگوی «مقاومت اسلامی» مبتنی بر انسان‌شناسی علامه طباطبایی و شهید مطهری. مطالعات قدرت نرم*، شماره ۱۹.
- محمدی مصیری، علی (۱۳۹۷). *جهت‌گیری مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- ناظمی اردکانی، مهدی؛ خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). *مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام. مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۶.
- ولی‌پور زرومی، حسین (۱۳۷۷). *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی*، شماره ۲.
- Laclau, E. & Muffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics (Radical Thinkers)*. Routledge.
- Laclau, E. & Muffe, C. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy*. London: Verso, Second ed.